

ابعاد جغرافیای سیاسی مکانیابی و انتقال پایتخت در ایران

افشین متقی دستنایی: استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
حیدر لطفی: استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واد گرمسار، گرمسار، ایران
موسی صادقی^۱: کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

پایتخت رکن اساسی در امور اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیکی، فرهنگی و اجتماعی هر کشوری است و عوامل گوناگون، ساختار و نظام اداری پایتخت را شکل می‌دهد. علاوه بر ویژگی‌های مذکور، شهرها نیز بنا به دلایل گوناگونی برای دوره مختلف، مقام پایتختی خود را به تجربه می‌گذاشتند، اما حکومت‌ها تحت تأثیر عواملی چند در انتخاب، توسعه و ساخت و ساز پایتخت‌ها و البته در مقیاس‌ها و ویژگی‌های گوناگون نقش مهمی داشتند. ایران، سرزمین کهنی است که از زمان هخامنشیان تاکنون بارها و بارها نسبت به تعویض و انتقال مرکز حکومت خود اقدام کرده است. از پایتختی شوش تا تهران ۳۹ بار انتقال مرکز صورت گرفته است که طی آن ۳۰ شهر به پایتختی برگزیده شده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت و به دنبال پاسخ به این سؤال است که چه عواملی در تعیین پایتخت‌ها نقش اساسی دارند و چه عواملی موجب وجود آمدن تقاضا برای انتقال پایتخت در ایران مطرح باشد؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که از دیدگاه جغرافیای سیاسی، در انتخاب و مکانیابی پایتخت عواملی نظیر: قابلیت هسته‌ای مکان پایتخت، ارزش معنوی و نقش فرهنگی مکان پایتخت و ایجاد وحدت و تجانس فرهنگی یا کنترل تفاوت‌های فرهنگی، گروه ملی مسلط و یا خاستگاه قومی حکومت، ارتباط خارجی، موقعیت استراتژیک و دفاعی، مصالحه سیاسی، موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی، دسترسی به راه‌های ارتباطی و مواصلاتی داخلی، تغییر در رویکردها و سیاست‌های حکومت، شرایط زیست محیطی منطقه، مشکلات مدیریت بهینه پایتخت، مسائل امنیتی مؤثر است. در پاسخ به سؤال دوم، مهم‌ترین عوامل طرح پایتخت در ایران، تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی و قرار داشتن بر روی گسل زلزله شناخته شده‌اند.

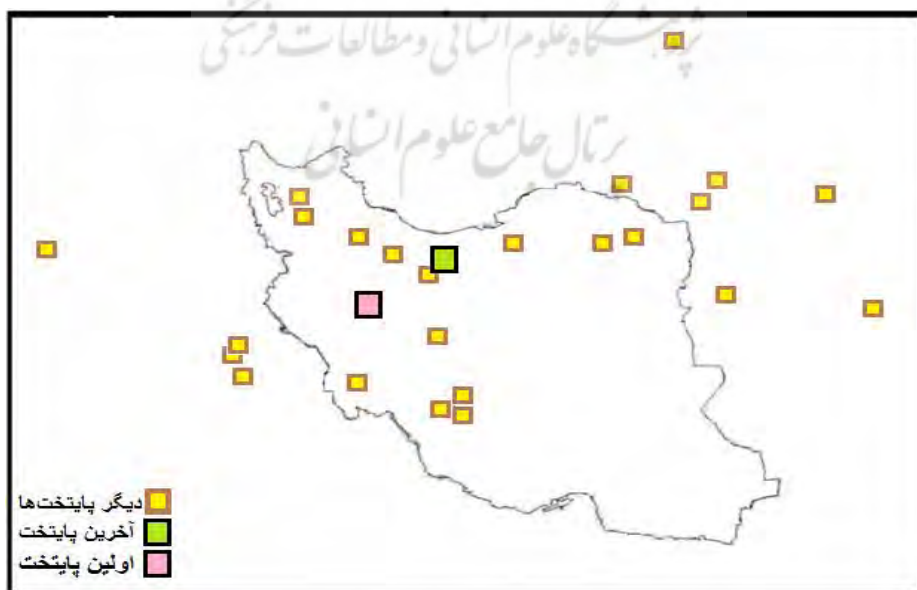
واژه‌های کلیدی: مکانیابی پایتخت، انتقال پایتخت، کلان شهرها، پایتخت‌های ایران.

^۱ نویسنده مسئول: mousa.sadeghi85@yahoo.com ۰۹۳۸۵۴۷۱۶۹۹

بیان مسأله:

پایتخت به عنوان مرکز سیاسی، اداری، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حکومت‌ها نقش به‌سزایی در جغرافیای سیاسی و اداری ایران داشته است و انتخاب مکان آن باید بر اساس الگویی تعریف شده انجام شود. پایتخت می‌تواند نماد اقتدار و بالندگی حکومت‌ها باشد و از این‌رو در معرض ساخت و ساز، توسعه‌ی کالبدی، نظارت دقیق حکومتی، کنترل اقتصادی و امنیتی، رشد جمعیت، توسعه‌ی نهادهای علمی، فرهنگی قرار می‌گیرد. در واقع، پایتخت مهم‌ترین عنصر ساختار سیاسی فضا با کارکرد و هویت سیاسی-اداری و نیز کارکردهای اقتصادی، تجاری و فرهنگی است. این واحد فضایی-سیاسی صرف نظر از فلسفه وجودی، ماهیت و کارکردهای سیاسی، اداری، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، با توجه به اینکه کانون اقتدار و حاکمیت سیاسی حکومت و نیز تکیه‌گاه اصلی دولت مرکزی به حساب می‌آید و نسبت به سایر عناصر سازمان سیاسی فضا از موقعیت ترجیحی برخوردار است، مورد توجه خاص جغرافیای سیاسی است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۴). هنگام مطالعه و تصمیم‌گیری یا برنامه‌ریزی برای تغییر یا انتقال پایتخت باید عوامل کلیدی اثرگذار بر کارکرد پایتخت شناسایی و بررسی شوند. چندی از این عوامل عبارتند از: عوامل سیاسی (تمرکز بر قدرت‌های تصمیم‌گیر)، اداری (تمرکز بر وظایف قضایی، قانون‌گذاری و اجرایی)، فرهنگی (تمرکز بر فعالیت‌ها، نمادین و حمایت فرهنگی از آن فعالیت‌ها)، اطلاعاتی (تمرکز بر منبع اصلی تصمیم‌گیری) و نمادین (تمرکز بر ارزش‌ها و هنجارها).

ایران، سرزمین کهنی است که از زمان هخامنشیان تاکنون بارها و بارها نسبت به تعویض و انتقال مرکز حکومت خود اقدام کرده است. از پایتختی شوش تا تهران ۳۹ بار انتقال مرکز صورت گرفته است که طی آن ۳۰ شهر به پایتختی برگزیده شده‌اند (کمانرودی، ۱۳۹۲: ۲۲۰)؛ شوش، پاسارگاد، شیراز، دامغان، اشک‌آباد، تیسفون، بیشاپور، کازرون، بخارا، نیشابور، مرو، زرنج، بخارا، طبرستان، اصفهان، همدان، ری، غزنین، سمرقند، هرات، گرگانج، مراغه، تبریز، اردبیل، قزوین، ساری، مشهد، کرمان و تهران، پایتخت‌های ایران کهن در طول تاریخ بوده‌اند که برخی پایتخت‌ها فقط یک بار و برخی دیگر چندین بار به عنوان پایتخت انتخاب شده‌اند و به آنها گاهی دارالخلافة، آستانه، حضرت و پایتخت گفته‌اند. حکومت‌هایی مانند هخامنشیان چند پایتخت توأمان برای استفاده‌های گوناگون داشتند؛ حکومت‌هایی نیز مانند ساسانیان پایتخت خود را متمرکز در یک شهر می‌کردند (باستانی‌راد، ۱۳۹۰: ۳۱).



شکل ۱- موقعیت مکانی پایتخت‌های ایران در طول تاریخ

در طول تاریخ ایران انتقال پایتخت از شهری به شهر دیگر، هم‌زمان با گسترش ارضی و انتقال قدرت، امری عادی و متداول بوده است. در این بین، گاهی پایتخت‌ها در مرکز جغرافیایی سلسله حاکم و به منظور برخورداری از پشتیبانی آنها در رویارویی با اقوام دیگری که مدعی بالقوه حکومت بودند مکان‌گزینی می‌شد. در سایر موارد نیز تغییر مکان پایتخت به منظور نزدیکی به خط مقدم جبهه برای مقابله با دشمن خارجی یا دوری از خطرهای ناشی از تهاجم نظامی دشمن بوده است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۴). به طور متوسط هر ۶۵ سال یکبار پایتخت ایران جابجا شده است؛ اما تهران شهری است که بیش از ۲۲۰ سال پایتخت سه حکومت قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی بوده و در حال حاضر با مسائلی مواجه است که نظر کارشناسان را به انتقال مرکزیت از آنجا به جایی دیگر معطوف کرده است. در گذشته هر ۳۹ بار انتقال مرکز حکومت به دلیل مسائل امنیتی و سیاسی صورت گرفته است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ دادن به این سؤالات است که:

- ۱- عوامل جغرافیای سیاسی جهت‌ده به مکانیابی پایتخت کدامند؟
- ۲- چه عواملی موجب بوجود آمدن ایده تغییر مکان و انتقال پایتخت ایران است؟

مبانی نظری:

پایتخت به عنوان کانون سیاسی کشور، مرکز جاذبه و نفوذ یک فضای جغرافیایی است که دربردارنده عوامل سیاسی، فرهنگی، قومی، تاریخی، اقتصادی، اداری، فنی و ارتباطی است. پایتخت شهری است که دارای بیشترین تعداد جمعیت و بزرگترین مراکز اقتصادی و فرهنگی است (بهفروز، ۱۳۸۰: ۱۹۷) و اینکه، مرکز اقتدار سیاسی کشور به شمار می‌رود و معمولاً محل استقرار سران سه قوه (مجریه، مقننه، قضائیه)، اعضای آنها، وزارتخانه‌ها، ادارات دولتی و سفارتخانه‌های خارجی است. در واقع، این مکان مرکزیت جغرافیایی، هندسی، و یا کارکردی یک فضای جغرافیایی است که از یک سو نیروهای انگیزشی مستقر در آن، عناصر و عوامل انسانی و کالبدی فضا و جریانات و شبکه‌ها را به سوی خود جذب می‌کند و از طرف دیگر، نقطه مرکزی برای پخش پدیده‌ها، فرمان‌ها و اعمال اراده سیاسی در اقصا نقاط فضای مربوطه به شمار می‌رود (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۶). در دسته‌بندی انواع پایتخت‌ها، در سه گروه زیر قرار می‌گیرند:

- ۱- پایتخت دائمی یا تاریخی: پایتختی که عظمت و اقتدار خود را طی تاریخ حفظ کرده است.
 - ۲- پایتخت ابداعی: پایتختی برای ایفای نقش‌های جدید بجای پایتخت‌های قدیم تأسیس می‌شود.
 - ۳- پایتخت منقسم: پایتختی که کارکردهای مربوط به آن در چند شهر تقسیم شده است.
- در واقع گزینش مکان برای تغییر پایتخت زمانی پدید می‌آید که دولت‌ها به دلایلی پایتخت فعلی را فاقد کاربرد لازمه دانسته و خود را ملزم به ترک آن نمایند. چنین ضرورتی ممکن است به دنبال دشواریهای ژئوپلیتیک آن کشور و یا در نتیجه ضعف‌هایی در چشم‌انداز جغرافیای سیاسی آن به وجود آید (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۱: ۴). به علاوه انتقال پایتخت با تغییر ساختار دولت نیز ارتباط مستقیمی دارد. حتی انتقال پایتخت، از جدیدترین روشها برای تشکیل دولت، ملت و هویت ملی است. در واقع، پایتخت به هر دلیلی که انتقال یابد، هدف نهایی آن تشکیل یک دولت قدرتمند و یک ملت منسجم و پایدار در بطن فرایند کنترل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشور است. این عمل، فرایندی است که در آن کانون سیاسی شاهد جابجایی در زمینه مکان و فضای جغرافیایی است. این فرایند، حتی ممکن است باعث سلب تمام ویژگی‌های پایتخت سابق شده و حوزه جغرافیایی جدید را به عنوان هسته اصلی دولت مربوطه توسعه ببخشد. پایتخت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان، بارها در طول تاریخ شاهد فرایند جابجایی مکانی-فضایی بوده‌اند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

روش تحقیق:

روش تحقیق در پژوهش حاضر به لحاظ ماهیتی، بنیادی و روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات عمدتاً با روش کتابخانه‌ای شامل فیش برداری از کتب و نشریات داخلی، مقالات و پایان نامه‌های دانشجویی، منابع اینترنتی و استفاده از آمارها، جداول و نقشه‌ها بوده است. در این پژوهش ابتدا پایتخت‌های ایران از ابتدا تا کنون برشمرده شد و در قسمت یافته‌های تحقیق ابتدا مکانیابی پایتخت در ایران در ادوار مختلف و ویژگی مکانی پایتخت‌ها بررسی شده است و در قسمت بعد عواملی و چالش‌هایی را که موجب شده است دولتمردان به فکر انتقال پایتخت باشند، بررسی شد.

یافته‌های تحقیق:**عوامل جغرافیای سیاسی مکان‌یابی پایتخت‌ها:**

مهم‌ترین سیاست مکان‌یابی انتخاب پایتخت در دوران قدیم، رویکرد ژئوپلیتیکی و یا سازماندهی سیاسی فضای داخلی برای برقراری ارتباط بین مکانی با دیگر پایتخت‌ها و کنترل جغرافیای کشور با استفاده از سازوکار توسعه فضایی جغرافیایی فرهنگی و هویتی بود. به عبارت دیگر، استفاده از چند پایتخت و یا انتقال پایتخت، برای دستیابی به اهداف کارکردی پایتخت‌ها انجام می‌شد که این امر نشان از درک بالای دولت‌ها از واقعیت‌های جغرافیای سیاسی سرزمین دارد. همچنین، تجربه‌های سیاسی فرهنگی برخی از نقاطی که مجدداً به عنوان پایتخت انتخاب شدند، در شکل‌دهی به بینش سیاسی حاکمان وقت در مدیریت مکان مورد نظر و تعامل با مردمان آن کاملاً تأثیرگذار بوده است. در مجموع موقعیت طبیعی، جغرافیایی و وضعیت سوق‌الجیشی کشورها موجب شد که در طول، عوامل جغرافیایی-اجتماعی نقش مهمی در مکانیابی پایتخت‌های سیاسی دولت‌ها ایفا کنند. مهم‌ترین عوامل مکانیابی پایتخت‌ها از دوران قدیم تا کنون عبارتند از:

قابلیت طبیعی مانند رودخانه، دسترسی به آب، اراضی حاصلخیز، شرایط زیست محیطی: دسترسی به آب در دوران قدیم از مهم‌ترین عامل مکانیابی شهرها بود که این عامل، هم به عنوان عامل دفاعی مورد اهمیت بود و هم در ارتباط میان دیگر مناطق و کشورها و تجارت در میان آنها و هم رونق اقتصاد و تولید مبتنی بر کشاورزی و دامپروری که دسترسی به آب و خاک حاصلخیز جز لاینفک آن محسوب می‌شد.

قابلیت معنوی و نقش ایکونوگرافیک مکان: پایتخت‌هایی وجود دارند که نقش خود را در طول تاریخ سیاسی کشورشان به دست آوردند و با گذشت زمان به ایجاد یک گستره جامع از علائم ملی دست یافته‌اند. ارزشهای ایکونوگرافیک بزرگترین عامل پیوند انسان با مکان جغرافیایی است. مکانهای جغرافیایی با توجه به ارزش معنوی آنها برای انسان و ارتباط عمیقی که بین مکانها و انسان برقرار می‌شود، نقش آنها در توجیه زندگی بشری، میزان اثرگذاری آنها در رفتار انسانها و قدرت جذب آنها در فرایند اتحاد و انسجام جوامع بشری، برای انسان از ارزش متفاوتی برخوردارند. در این بین، پایتخت‌ها به عنوان نماد کل کشور و نقش آنها در جهت بقا و اقتدار دولت و ملت، برای انسان از ارزش معنوی و ایکونوگرافیک ویژه‌ای برخوردارند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۹). شکل‌گیری چنین تصویری از یک شهر، موجب بوجود آمدن ذهنیتی در مردم می‌شود که برخوردار از خاستگاه و یک حق اختصاصی برای پایتخت بودن برای آن شهر است.

قابلیت پوشش گروه قومی اکثریت: این نوع قابلیت در مکانیابی پایتخت‌هایی استفاده می‌شود که در آن کشور اقوام گوناگون قرار دارند و دولتمردان برای نفوذ بیشتر در بین مردم، مکانیابی را در شهری انجام می‌دهند که دارای بیشترین ترکیب قومی در کشور باشد. از نمونه این نوع مکانیابی پایتخت می‌توان به ترکیه اشاره کرد که در آن

استانبول، اگر با آن سابقه تاریخی و عظمت دیرین نتوانست موقعیت پایتختی خود را برای همیشه حفظ کند؛ اولاً به خاطر این بود که در مرکز ترکیه قرار نداشت، و ثانیاً آنکارا محل اتکاء و تکیه گاه عظیم آتاتورک بود که از پشتیبانی وسیع مردم آن سامان نیرو می‌گرفت و به همین جهت این شهر مقر کمیته ملی و پایتخت کشور جوان ترکیه انتخاب شد (فرید، ۱۳۸۲: ۳۱۸). این نوع مکان‌یابی می‌تواند امنیت داخلی کشور را بنا به گروه قومی بیشتر بالاتر ببرد و همچنین برای جلوگیری از بوجود آمدن چالش‌های ناشی از گروه‌های قومی دیگر، منابع کشور بطور مساوی بین گروه‌ها تقسیم شود.

قابلیت همگرایی اقلیت‌ها و کنترل تفاوت‌های فرهنگی: در کشورهای چند ملیتی با توجه به وجود اقلیت‌های مختلف مکانیابی پایتخت شکل حساستری به خود می‌گیرد. این مکانیابی طوری باید انجام شود که کمترین آسیب از سوی اقلیت‌ها در انتخاب و یا انتقال پایتخت همراه باشد و موجبات همگرایی بیشتر اقلیت‌ها و کنترل و کاهش تفاوت‌های فرهنگی را نیز فراهم کند. این همگرایی رابطه مستقیمی با امنیت داخلی کشور دارد و همگرایی بیشتر اقلیت‌ها در یک کشور چند ملیتی، موجب بالا رفتن وزن ژئوپلیتیکی کشور نیز می‌شود. از طرف دیگر، انتخاب و انتقال پایتخت به عنوان شهر میانجی در دعوای بین دو شهر و استان از این نوع قابلیت است که با توجه به کارکردهای پایتخت، زمینه‌ساز امنیت ملی و جلوگیری از چالش‌های ملی را فراهم می‌کند. انتقال پایتخت از لاگوس به آبوجا در نیجریه با این رویکرد بوده است که شهر آبوجا در حد وسط گروه‌های مسلمانان شمال و مسیحیان جنوب قرار داشت و از نظر جغرافیایی به راحتی می‌توانست خود را با هر دو طرف انطباق دهد، بدون اینکه طرفدار یکی از آنها باشد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۳). این نوع انتقال پایتخت معمولاً در کشورهای چند ملیتی و دارای امنیت داخلی و ملی پایین و ضعف حکومت مرکزی در کشور داری صورت می‌گیرد.

قابلیت مرکزیت و مرکز ثقل جغرافیایی داشتن: در مکانیابی پایتخت‌ها، عامل جمعیت و تراکم اقتصادی آن، عامل تأثیرگذاری برای مکانیابی پایتخت‌ها بوده است. عامل جمعیت علاوه بر بعد فرهنگی در بعد نظامی و دفاعی موجب بالا رفتن وزن ژئوپلیتیکی و عمق دادن استراتژیک به آن مکان می‌شود (جردن، ۱۳۸۰: ۱۵۱). از سوی دیگر با توجه به اینکه یکی از نقش‌های پایتخت‌ها ایجاد وحدت و یکپارچگی است، بنابراین بهترین اندیشه در مورد پایتخت‌ها موقعیت مرکزی است. این قابلیت در صورت برابری سایر قابلیت‌های مکانیابی پایتخت، هر چه مکان به مرکز جغرافیایی کشور نزدیکتر باشد، اداره امور آسانتر است؛ زیرا فاصله میان پایتخت و مرزها به حداقل می‌رسد و حضور دولت مرکزی در گوشه و کنار کشور سریعتر انجام می‌پذیرد. از طرفی، هر چه فاصله مردم از دولت مرکزی بیشتر باشد، احتمال پیروی آنها از دستورات دولتی کمتر خواهد بود (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰۷). همچنین، وجود پایتخت در موقعیت مرکز ثقل جغرافیایی، توزیع جغرافیایی جمعیت و ثروت کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، این موقعیت از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای ارزش‌های ویژه‌ای است. ارزش اصلی این موقعیت، ویژگی محوری آن در پیوند دادن کلیه عناصر جغرافیای سیاسی و سازمان سیاسی فضای کشور است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در دوران قدیم بنا به وجود لشکرکشی، قابلیت مرکزیت عامل مهمی برای مکانیابی پایتخت‌ها بشمار می‌رفت و در دوران معاصر نیز انتخاب این عامل علاوه بر دارا شدن پایتخت از عمق استراتژیک بالاتر، باعث برابری فاصله میان دیگر نقاط کشور با پایتخت می‌شود.

قابلیت استراتژیک و دفاعی و برخورداری از امکانات دفاع عامل و غیرعامل: قابلیت دفاعی در مکانیابی پایتخت، از مهم‌ترین ویژگی مکانیابی بشمار می‌آید. پایتخت یک کشور بنا به اینکه مقر رئیس دولت، مجلس، حکومت، وزرا و وزارتخانه‌ها، دیوان عالی کشوری، دیوان محاسبات، دادگستری است به عنوان مهم‌ترین شهر یک

کشور محسوب می‌شود و لزوم رعایت نکات دفاعی و استراتژیک در آن از اهمیت بالایی برخوردار است. در دوران قدیم بنا به جمعیت بالای پایتخت از آن شهر هم به عنوان شهر دفاعی و هم به عنوان شهر تهاجمی استفاده می‌کردند. این عامل در عصر معاصر با توزیع متقارن جمعیت کشورها در نوار مرزی مرتفع شده است. حتی پایتخت‌هایی که ابتدا در سواحل رودها و یا دریاها و یا در کنار مرزهای خشکی تشکیل یافته‌اند، برای بدست آوردن عمق استراتژیک و بوجود آوردن دفاع عامل و غیرعامل به قسمت‌های داخلی کشور منتقل شده‌اند. البته ارزش استراتژیک یک پایتخت تنها به خاطر موقعیت دفاعی یا تهاجمی آن نیست. در حال حاضر ارزش استراتژیکی پایتخت بیشتر به خاطر موقعیت دروازه‌ای و ارتباطی آن است. این ارزش جغرافیایی و ژئوپلیتیک، نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز ارزش و اعتبار ویژه‌ای برای پایتخت فراهم می‌کند. برای مثال اعتبار جهانی لندن و پاریس تا اندازه‌ای به خاطر موقعیت ارتباطی آنها است. در حال حاضر، این دو شهر به عنوان پل ارتباطی اوراسیا با قاره آمریکا شناخته می‌شوند (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

قابلیت گلوگاه ارتباطی خارجی: پایتخت‌ها بنا به موقعیت اقتصادی خود و برقرار ارتباط تجاری در دوران قدیم در مسیر راههای بین‌المللی مکانیابی می‌شدند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، سعی در توسعه مناسبات بازرگانی، سیاسی و فرهنگی و نیز دیگر روابط خود را تا حد امکان، با شمار زیادی از شهرهای بزرگ و کوچک و دور داشتند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۵۵). در دوران معاصر بنا به جهانی شدن اقتصاد، این قابلیت بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در مکانیابی پایتخت‌های معاصر با در نظر گرفتن مواضع امنیتی و دفاعی در مسیر فرودگاه‌های بین‌المللی و دریاهای آزاد قرار می‌گیرد و در مورد شهرهای مهم کشورها نیز رعایت این قابلیت صادق است. قابلیت گلوگاه ارتباطی علاوه بر کاهش هزینه‌های ارتباطی و تجاری، موجب وابستگی بیشتر دیگر کشورها به این راههای ارتباطی و گرفتن امتیازاتی از این موقعیت و در نتیجه خارج شدن کشور از انزوای ژئوپلیتیکی می‌شود.

قابلیت گلوگاه ارتباطی و مواصلاتی داخلی: وجود پایتخت در کشور به عنوان منطقه‌ای که قدرت سیاسی یک دولت در آن تمرکز یافته است، برای گسترش سازه‌های سیاسی خود ابزارهایی نیاز دارد؛ یکی از این ابزارها، شبکه ارتباطی کاملاً توسعه یافته است. یعنی هسته سیاسی، تنها زمانی از قدرت نفوذ برخوردار است که از طریق ارتباطات کافی قادر به ارائه خدمات لازمه باشد. پاریس در فرانسه، مادرید در اسپانیا، در مرکز الگوی انشعابی راهها، راههای ریلی، تلگراف و خطوط تلفن واقع شده‌اند. این مسئله به قدری مهم است که تحکیم و تثبیت جایگاه مرکزی در شبکه شهری و سکونتگاهی کشور نیز تنها در سایه برخورداری از یک شبکه ارتباطی و مواصلاتی پیشرفته و مجهز برخوردار خواهد بود. در واقع، عدم برخورداری از یک شبکه ارتباطی و مواصلاتی پیشرفته برای پایتخت، قدرت کنترل و اقتدار آن را در درون سازمان سیاسی فضا و شبکه شهری کشور کاهش می‌دهد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۲).

قابلیت جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی حکومت‌ها: تغییر اوضاع داخلی و همچنین روابط کشور با دیگر کشورها در مواردی برای دست یابی به اهداف مد نظر کشور با انتقال و جابجایی پایتخت همراه است. این انتقال می‌تواند انگیزه‌های متفاوتی داشته باشد؛ انگیزه‌های سیاسی و روابط خارجی، دسترسی به موقعیت گلوگاهی بین‌المللی، انگیزه اقتصادی، توزیع متقارن جمعیت و انگیزه امنیتی از مهم‌ترین این موارد هستند. انتقال پایتخت در کشور چین دارای انگیزه سیاسی بوده است و در این انتقال چین به تبع سیاست‌های جاری آن کشور، شش پایتخت عوض کرده است (فرید، ۱۳۸۲: ۳۱۹). انتقال پایتخت در برزیل نیز در پی رسیدن به اقتصاد بالاتر و پراکنش متوازن جمعیت و با هدف نهادینه کردن گرایش مردم و رهبران مبنی بر توسعه مناطق داخلی و قاره‌ای در داخل کشور ساخته شد، شکل گرفته

است (جردن و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۵۲). این نوع انتقال پایتخت برای دسترسی و استفاده از حداکثر ظرفیت توسعه، بیشتر در کشورهای صورت می‌گیرد که دارای وسعت پهناور و موقعیت‌های بری و بحری هستند.

قابلیت کاهش تنش‌های داخلی بر سر انتخاب پایتخت: وجود دو یا چند شهر مهم در یک کشور موجب بوجود آمدن حس رقابت بر سر انتخاب پایتخت بین آنها می‌شود و انتخاب یکی از آنها می‌تواند امنیت داخلی و حتی ملی یک کشور را به خطر بیندازد. در چنین وضعی دولت برای کاهش اختلافات و تنش‌ها، پایتخت را در یک منطقه‌ی بی طرف انتخاب می‌کند. انتخاب کانبرا پایتخت استرالیا با یک جمعیت نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر، برای جلوگیری از تنش ناشی از رقابت بر سر انتخاب پایتخت بین دو شهر مهم استرالیا، سیدنی و ملبورن به عنوان پایتخت بوده است. از دیگر راهکارهای کاهش تنش‌های داخلی بر سر انتخاب پایتخت بین شهرهای مهم یک کشور، تقسیم وظایف پایتخت میان آن شهرها است (میرحیدر، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۳۷). دولت‌هایی که بصورت فدرال اداره می‌شوند، معمولاً از این روش استفاده می‌کنند.

قابلیت زیست‌محیطی منطقه: رشد جمعیت در پایتخت‌ها در دوران معاصر بخصوص در کشورهای جهان سوم، زمینه‌ساز چالش‌های زیست‌محیطی برای آن شهر بوده است. هجوم همه جانبه مردم برای دسترسی به اشتغال و منابع بهتر، موجب بوجود آمدن چالش‌هایی شده است که در زمره چالش‌های زیست‌محیطی و جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد. توزیع نامتقارن جمعیت و تراکم بالای آن، اسکان غیررسمی با توجه به رفع نشدن مشکل مسکن مهاجران، آلودگی شهر توسط مراکز صنعتی از جمله این چالش‌های زیست‌محیطی است.

مشکلات مدیریت بهینه پایتخت‌ها: رشد همه جانبه پایتخت‌ها بواسطه گسترش وظایف دولت در چارچوب وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، استقرار مجالس ملی، سفارتخانه‌ها و کنسول‌گریهای خارجی و نیز مراکز مهم فرماندهی، شرکت‌های بزرگ مالی و اقتصادی و بانکها، مؤسسات بزرگ فرهنگی و انتشاراتی، جاذبه‌های توریستی و صنایع لوکس موجب ایجاد چالش‌هایی در این شهرها شده است که در مواردی به انتقال پایتخت منجر شده است (فرید، ۱۳۸۲: ۳۲۰). تجمع این ارگانها در پایتخت در اکثر کشورهای دنیا موجب شده است پایتخت‌ها به عنوان مرکز ثقل و جاذبه سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و به تبع آن مرکز ثقل جمعیتی کشور در نظر گرفته شود و این امر زمینه کشش مردمان یک کشور را به سمت پایتخت را افزایش و در پی آن ساختن حباب جمعیتی را منجر می‌شود. زمینه‌سازی حباب جمعیتی در پایتخت، نبود مدیریت بهینه در کشور را می‌رساند که این امر در کشورهای متمرکز و چند ملیتی نمود بیشتری پیدا می‌کند و مشکلات حادثی را بوجود می‌آورد.

عوامل مؤثر و زمینه‌ساز انتقال پایتخت در ایران:

در گذشته، امنیت، عامل اصلی انتخاب و یا انتقال پایتخت بوده است، اما امروزه با توجه به پیشرفت فنون به ویژه در عرصه‌های امنیتی و تغییر شیوه‌های جنگی و همچنین اهمیت یافتن گردش اطلاعات و ارتباطات در این عرصه، عامل مذکور کم رنگ شده است و در مقابل مرکزیت ثقل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی اهمیت یافته است. در جدول شماره ۱ کشورهای که اخیراً اقدام به انتقال پایتخت خود کردند آورده شده است.

جدول ۱- آخرین موارد انتقال پایتخت‌ها و علل آن در قرن بیستم

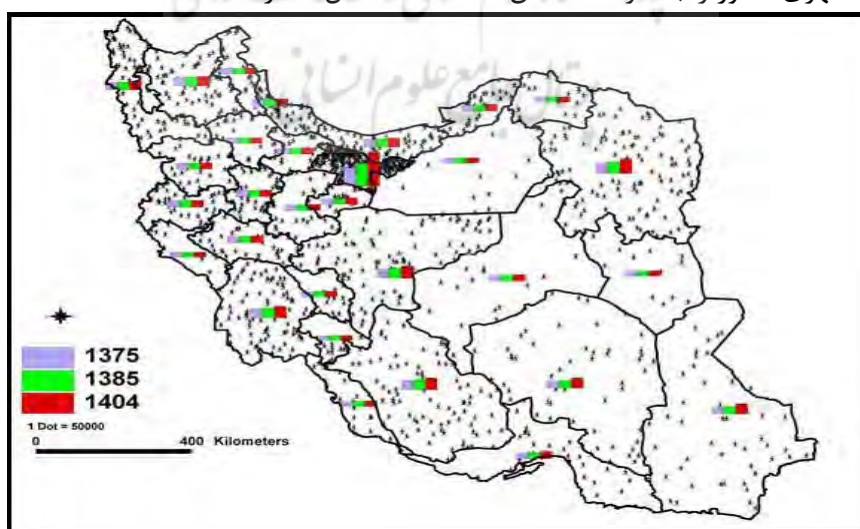
ردیف	نام کشور	پایتخت قبلی	مهم‌ترین علت انتقال	پایتخت فعلی	سال
۱	برزیل	ریودوژانیرو	برخورداری از قابلیت ژئوپلیتیکی حکومت	برازیلیا	۱۹۵۶
۲	موریتانی	سابت لوئیس	برخورداری از قابلیت گلوگاه ارتباطی خارجی	نواکشوت	۱۹۵۷
۳	پاکستان	کراچی	برخورداری از مرکز ثقل جغرافیایی	اسلام آباد	۱۹۵۹
۴	بوتسوانا	مافکینگ	برخورداری بیشتر و ارزانتر از ارتباطی خارجی	گابرون	۱۹۶۱
۵	لیبی	بنغازی	استفاده از حداکثر ظرفیت اقتصادی کشور	طرابلس	۱۹۶۳
۶	مالاوی	زومبا	خاستگاه قومی حکومت	لیلونگوی	۱۹۶۵
۷	بلیز	شهر بلیز	رفع مشکل آلودگی هوا	بلموپان	۱۹۷۰
۸	تانزانیا	دارالسلام	برخورداری از عمق استراتژیک و مرکزیت	دودومبا	۱۹۷۳
۹	نیجریه	لاگس	کنترل تفاوت فرهنگی میان اقلیت‌های مختلف	آبوجا	۱۹۷۵
۱۰	ساحل عاج	آبیجان	برخورداری از عمق استراتژیک و مرکزیت	یاموسوکرو	۱۹۸۳
۱۱	آلمان	بن	برخورداری از نماد فرهنگی و هویتی سابق	برلین	۱۹۹۰
۱۲	قزاقستان	آلماتی	برخورداری از عمق استراتژیکی	آستانا	۱۹۹۷
۱۳	مالزی	کوالالامپور	استفاده از حداکثر ظرفیت اقتصادی کشور	پوتراجایا	۲۰۰۰

منبع: (احمدی پور- ولی قلیزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

تمرکز بیش از حد جمعیت در کلانشهر تهران به دلیل عدم استفاده از برنامه آمایشی مناسب عامل اصلی بروز چالش‌هایی شد که برای فرار از آن، انتقال پایتخت به عنوان یکی از راه‌ها معرفی شد. پس از انقلاب اولین بار بحث انتقال پایتخت در سال ۱۳۶۴ یعنی ۲۸ سال پیش همزمان با دویستمین سال پایتختی تهران مطرح شد. در سال ۱۳۶۸ مطالعاتی زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی وقت انجام گرفت که ۴ گزینه برای انتقال پایتخت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نهایتاً نتیجه این شد که انتقال پایتخت هزینه دارد و به جای انتقال پایتخت «طرح ساماندهی پایتخت» را مطرح کردند. در ایجاد تفکر انتقال پایتخت عوامل متعددی نقش داشتند که این عوامل عبارتند از:

تمرکز شدید و ازدحام جمعیت:

شهر تهران بیشترین تعداد جمعیت کشور را در خود جای داده است. این شهر در مقابل ۱۳۳۰ شهر به تنهایی ۱۶ درصد جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است. (شکل شماره ۲).



شکل ۲- نقشه توزیع جمعیت ایران و روند پراکنش ۱۴۰۴-۱۳۷۵ - منبع: (یاسوری، ۱۳۸۹: ۸).

شهر تهران ۸/۵ میلیون نفر جمعیت ساکن دارد، بزرگترین شهر غرب آسیا و ۴۲ امین شهر بزرگ جهان است. روزانه حداقل ۱۲ میلیون نفر جمعیت شناور درون و برون شهری دارد. این تعداد جمعیت مهاجر روزانه که در شهرهای اطراف تهران ساکن هستند، جمعیت تهران را در طول روز به حدود ۲۰ میلیون نفر می‌رساند که با توجه به ظرفیتهای نظام شهرری در تهران این رقم فراتر از این ظرفیت است (لطیفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۳). جمعیت ۸ میلیون نفری برای یک شهر با امکانات ۵ میلیون نفر در تهران که با توجه به جمعیتی که برای کار کردن در روز وارد این شهر می‌شوند به ۱۲ میلیون نفر می‌رسد، از نظر جمعیت شناسان نقطه انفجار محسوب می‌شود (سالنامه آماری، ۱۳۹۰).

جدول ۲- روند افزایش جمعیت در تهران

سال	جمعیت کشور (میلیون)	جمعیت استان تهران	درصد نسبت جمعیت استان تهران به کل کشور	جمعیت شهر تهران	درصد نسبت جمعیت شهر تهران به کل کشور
۱۳۴۵	۲۵/۷۸۹	۳/۴۵۶	۱۳/۴	۲/۷۰۰	۱۰/۴۷
۱۳۵۵	۳۳/۷۰۹	۵/۳۰۰	۱۵/۷۲	۴/۵۰۰	۱۳/۳۵
۱۳۶۵	۴۹/۴۴۵	۷/۹۳۰	۱۶/۰۳	۶/۰۰۰	۱۲/۱۳
۱۳۷۵	۶۰/۵۵۰	۱۰/۳۴۴	۱۷/۲۲	۶/۷۵۹	۱۱/۲۵
۱۳۸۵	۷۱/۵۹۰	۱۲/۹۷	۱۸/۱۳	۷/۸۰۰	۹/۱۹
۱۳۹۰	۷۵/۱۴۹	۱۲/۱۸۳	۱۶/۲۱	۸/۱۵۴	۱۰/۸۵
۱۴۰۰	۱۰۰/۰۰۰	۱۷/۷۰۰	۱۷/۷	۸/۴۸۰	۸/۴۸

منبع: (نوبری- رحیمی، ۱۳۸۸: ۱۴) - (سالنامه آماری، ۱۳۹۰).

امروزه با اسکان و تمرکز هفت میلیون نفر در شهر تهران و حدود سه میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت در بقیه شهرها و آبادی‌های مجموعه شهر تهران روبرو هستیم. به علاوه چشم‌انداز آینده جمعیت تهران نیز نشان می‌دهد که حتی اگر میزان مهاجرت از خارج به داخل مجموعه به صفر برسد و با وجود تداوم همه جانبه کنترل جمعیت و موفقیت سیاست‌های تمرکززدایی باز با پیش‌بینی گزینه پایین ۱۶ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و گزینه متوسط ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر برای افق ۱۴۰۰ روبرو هستیم (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۸). رشد جمعیت تهران علاوه بر تمرکز جمعیتی بالا و برهم خوردن تراکنش متوازن جمعیت، موجب ایجاد چالش‌هایی نیز می‌شود. چالش‌های ناشی از برخورد فرهنگ‌های متفاوت، بالا رفتن نرخ بیکاری و شغل‌های کاذب، افزایش مصرف‌گرایی، کاهش تولیدات مهاجرانی که در روستاها و شهرها دارای تولیدات کشاورزی بودند و به امید درآمد بیشتر به تهران مهاجرت کردند، کم رنگ شدن هویت‌های مکانی مهاجران، ترافیک و آلودگی، کمک به تجمیع بیشتر سرمایه در تهران و اطراف آن از جمله این چالش‌ها هستند.

تمرکز اقتصادی و تجاری:

متمرکز شدن منابع و امکانات عمده اقتصادی، مالی و تجاری مانند شبکه‌های بزرگ بانکی، پول و ارز، بازار، کمپانی‌ها، دفاتر شرکت‌ها و کارخانجات، سرمایه‌داران و تجار بزرگ ملی و بین‌المللی کشور باعث شده است که تهران رهبری اقتصاد ملی را برعهده گرفته و این تمرکز اقتصادی عامل اصلی در بوجود آمدن نیروی کشش و جذب مهاجر به سمت پایتخت باشد. این حجم بالای مهاجر موجب افزایش نیازهای زندگی، بخصوص نیاز مسکن می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد که بخشی از افزایش قیمت زمین و مسکن ناشی از تورم تقاضا در تهران بوده و نهایتاً منجر به تورم قیمت زمین و مسکن می‌شود و این تورم به سایر نقاط کشور علی‌رغم اینکه تورم تقاضا و مشکلات تهران را نداشته باشند سرایت کرده و باعث افزایش قیمت‌ها در سایر شهرهای کشور می‌شود. روند کشش جذب مهاجر در تهران باعث

شکل‌گیری الگوی نامناسب پخش فضایی منابع در ایران و در پی آن مهاجرت و تراکم در شهرهایی که دارای برخورداری بیشتر از این منابع هستند، شد. روند مهاجرت باعث کم رنگ شدن هویت‌های قومی و باعث نابودی فرهنگ‌های اصیل موجود در روستاها و شهرهای کوچک می‌شود. از طرف دیگر با هجوم مهاجر به سمت تهران، موجب افزایش مصرف‌گرایی در این شهر شده است. گسترش مصرف‌گرایی و تراکم نامتوازن جمعیتی در کشور، باعث تعامل ناصحیح انسان با محیط شده است. نامناسب بودن توزیع منابع باعث مهاجرت مردم به کلان شهرها برای دسترسی به این منابع شده است. این مخاطرات در سه بعد در استان‌های متراکم کشور بروز کرده است: کاهش و کمبود منابع، تخریب منابع و آلودگی محیط زیست. کمبود منابع زیستی و محروم شدن مردم از این امکانات باعث بوجود آمدن رقابت و کنش متقابل بین گروه‌های مردم می‌شود و این تقابل بین مردم باعث بوجود آمدن چالش‌هایی در بعد جغرافیای سیاسی می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۸۹).

تمرکز سیاسی- اداری: وجود سیستم متمرکز سیاسی- اداری از دیگر موارد چالش‌زای پایتخت بوده است. تمام مراکز تصمیم‌گیری و مدیریتی ملی از جمله: دفتر ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، وزارتخانه‌ها، نهادهای ملی دولتی و غیردولتی، ارگان‌های حکومتی ملی در تهران مستقر هستند. حجم کارکنان این نهادها و مراکز سیاسی- اداری کشور در تهران ساکن بوده و حضور آنان قدرت کامل بلامنزاع سیاسی و اداری را به تهران بخشیده و روزانه حجم عظیمی از ترافیک زمینی و هوایی کشور را برای انجام امور اداری و سیاسی در سایر نقاط کشور به سوی این شهر روانه کرده و حجم تردد درونی شهر تهران و جمعیت شناور آن را به شدت افزایش می‌دهد.

معضلات محیط‌زیست شهری: تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، خدماتی و سیاسی- اداری تهران و روند فزاینده همه تمرکزهای مذکور فرآیند مصرف انواع منابع را در یک سیر شتابان همواره افزایش می‌دهد که نتیجه آن تولید انبوه انواع پسماندها و زباله‌های خانگی، تجاری، صنعتی، بیمارستانی، الکترونیکی است. بنزین مهم‌ترین ماده مصرفی و آلاینده تهران است. روزانه حداقل ۱۴-۱۳ میلیون لیتر بنزین در تهران مصرف می‌شود که همراه با گازوئیل مصرفی، سالیانه دست کم ۱۰ میلیون تن گاز کربنیک در تهران تولید می‌شود، که آثار سوء این آلاینده‌ها بر سلامت ساکنان این شهر مشخص بوده و عامل مهمی در کاهش متوسط عمر شهروندان می‌باشد. در مجموع مهم‌ترین عوامل آلودگی شهر تهران را در موارد رزیر می‌توان جستجو کرد:

- مهم‌ترین عامل آلودگی هوای شهر تهران، تراکم بالای جمعیت در این شهر است. در شهر تهران در هر کیلومتر مربع ۸۶۱۴ نفر زندگی می‌کنند که این تعداد در مقایسه با استان تهران، ۶۲۸ نفر و در کل کشور ۴۱ نفر است.
- عامل دوم سهم زیاد خودروهای شخصی در جابجایی شهروندان در مقایسه با وسایل حمل و نقل عمومی درون شهری است. طبق تحقیقات انجام شده بیش از ۷۰ درصد آلودگی هوای شهری ناشی از احتراق خودروهای بنزین سوز و ۳۰ درصد باقیمانده مربوط به دودکش‌های کارخانه‌ها و پالایشگاهها و وسایل گرمایشی خانگی است.
- عامل سوم، عامل مدیریتی است که با توجه به ظرفیتهای آسیب‌پذیر تهران باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله ضعف مدیریتی می‌توان به عدم هماهنگی و کشمکش بین دستگاهها، نبود مدیریت واحد و کارا برای ریشه کن کردن آلودگی، سیستم حمل و نقل عمومی ضعیف اشاره کرد (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶).

معضل ترافیک: وجود بیش از سه میلیون خودرو در سطح شهر تهران، این شهر را به پارکینگ نسبتاً متحرک خودروها تبدیل کرده و این امر علاوه بر افزایش نسبی مصرف سوخت، باعث تشدید آلودگی هوا و آلودگی صوتی می‌شود. اما مهم‌ترین تأثیر ترافیک سنگین تهران علاوه بر هدر رفتن سوخت و آلودگی هوا؛ اتلاف وقت شهروندان و

ایجاد خستگی و بروز اختلالات روحی و رفتاری شهروندان است. اگر به تناسب جمعیت ساکن و شناور، سرانه متوسط اتلاف وقت شهروندان تهران در ترافیک را یک ساعت در نظر بگیریم، روزانه ۱۲ میلیون ساعت وقت انسان‌ها در پایتخت تلف می‌شود. که ماهیانه ۳۶۰ میلیون ساعت وقت مردم تهران در ترافیک تلف می‌شود.

خطر زلزله: شهر تهران همواره در معرض خطر زلزله قرار دارد. گسل‌های شمال تهران، گسل مشاء، گسل کهریزک و گسل ری که همواره تهران را در معرض خطر قرار داده‌اند، هر کدام توان ایجاد زلزله‌های ۷/۵ ریشتری را دارند. با توجه به تراکم بالای جمعیتی، منابع اقتصادی، خدماتی، سیاسی و فرهنگی، مقاومت پایین بسیاری از ساختمان‌های شهر و حوادث هنگام زلزله مانند شکستگی خطوط انتقال گاز و آب و قطع و اتصال خطوط انتقال برق و آتش‌سوزی، زلزله تهران یک فاجعه انسانی و خیم به بار خواهد آورد.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش سعی بر آن شده است که چالش‌های بوجود آمده برای پایتخت بررسی شود. هر چند در این راه انتقال پایتخت نمی‌تواند راهکار مادام‌العمری را برای رفع آنها مشکلات عمده‌ای مانند گره‌های ترافیکی غیر قابل حل، اتلاف انرژی غیرمتعارف، افزایش مضاعف هزینه‌های شهری، تلف شدن میلیون‌ها ساعت وقت منابع انسانی، خطر بالقوه خسارات ناشی از زلزله، مشکلات زیست محیطی و آلودگی‌های هوا و صدا و مشکلات بهداشتی ناشی از انفجار جمعیت در کلانشهر تهران از مهمترین عواملی هستند بحث تصمیم‌گیری در مورد حل آنها را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است. بدیهی است که تراکم جمعیتی زیاد مشکلات عدیده‌ای به همراه دارد. شکی نیست حل معضلات پایتخت و نجات تهران و کشور از بن بست موجود، در اجرای موارد زیر خلاصه می‌شود:

- ✓ اختصاص تسهیلات لازم برای ایجاد اشتغال در کشور برای جلوگیری از مهاجرت آنها و کم کردن نیروی جاذبه پایتخت برای جذب مهاجر؛
- ✓ بوجود آوردن سیستم یکپارچه اجتماعی برای رسیدن به الگوی متقارن شاخص‌های اجتماعی و بالا رفتن سطح رفاه مردم در دیگر نقاط کشور؛
- ✓ گسترش و تجهیز کریدورهای ارتباطی با عملکرد فراملی و مراکز جمعیتی مستقر برای بوجود آوردن مزیت‌های موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی برای جلوگیری از جابجایی جمعیت و برهم خوردن توزیع متقارن آن؛
- ✓ شناسایی مراکز رشد جمعیت و تقویت نقش منطقه‌ای آنها در کشور؛
- ✓ مکانیابی مناسب مناطق برای ایجاد زمینه‌های اشتغال با توجه به ویژگی آمایش سرزمین هر منطقه؛
- ✓ توزیع یکپارچه منابع انرژی در سطح کشور برای کاهش نیروی کشش پایتخت؛
- ✓ اختصاص صنایع زیربنایی به بخش‌های کم تراکم کشور و جلوگیری از رویه مهاجرت فرستی این مناطق؛
- ✓ وضع قانونی برای منع ساخت کارخانجات در پایتخت و کلانشهرها تا شعاع ۱۵۰ کیلومتر؛
- ✓ برنامه ریزی و حمایت برای گرایش بیشتر مردم روستاها به تولید و در پی آن ماندگاری بیشتر در این نواحی؛
- ✓ برنامه ریزی آمایش سرزمین برای استفاده بهتر از فضا و کاهش تراکم در نواحی شهری و کلان شهرها؛
- ✓ بالاتر بردن شاخص‌های سطح زندگی روستاها برای تغییر ذائقه مردم و جلوگیری از مهاجرت آنها؛
- ✓ پراکنده ساختن قطب‌های جذب مهاجر در پایتخت؛
- ✓ پراکنده ساختن ادارات و مراکز غیر ضروری در سطح کشور برای جلوگیری از ازدحام جمعیت در تهران. در این راه تقسیم فعالیت‌های پایتخت بین چند شهر و یا انتقال آن به یک مکان جدید و یا به یک شهر دیگری می‌تواند زمینه کاهش جمعیت برای تهران را فراهم آورد. به طور کلی، این مسئله، مشکل همه کشورهای است که از

سیستم دولتی بسیط متمرکز برخوردارند. در واقع نظام متمرکز، علاوه بر مسائل مدیریت شهر پایتخت، کل مسائل مدیریت سیستم کشوری را نیز بر عهده پایتخت نهاده است. بدین معنی که بخشی از قسمتهای دولت به قسمتهای دیگر کشور انتقال یابد. شکستن عالمانه این تمرکز و توزیع بهینه و همه جانبه آن در پهنه و فضای جغرافیایی کشور، وضعیت مناسبی را برای قرارگرفتن ایران در مسیر توسعه بیشتر، تحصیل رفاه و آسایش برای ملت و حل بخشی از بحرانهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری کشور فراهم می‌آورد.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی پور، زهرا، حافظنیا، محمدرضا و علی ولی‌قلی‌زاده (۱۳۸۸): «تبیین عوامل مؤثر در مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران باستان با اشاره به تأثیرات آن در تکوین هویت ایرانی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۰، شماره ۳، تهران، صص ۱۸-۳.
۲. احمدی پور، زهرا و علی ولی‌قلی‌زاده (۱۳۸۸): «بررسی و تحلیل عوامل اصلی جابجایی پایتخت‌ها با تأکید بر انتخاب آنکارا»، فصلنامه جغرافیا، سال ۷، شماره ۲۲، تهران، صص ۱۴۶-۱۲۳.
۳. باستانی‌راد، حسن (۱۳۹۰): «نظام پایتختی ایران در عصر سلجوقیان: با تأکید بر دارالملک‌های کرمان»، فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۳، شماره ۱۰، تهران، صص ۴۲-۳۹.
۴. بهروز، فاطمه (۱۳۸۰): زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۵. جردن، تری، راونتری، لستر (۱۳۸۰): مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه: سیمین تولایی و محمد سلیمانی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول، تهران.
۶. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵): اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی، چاپ اول، مشهد.
۷. رهنمایی، محمدتقی و موسی پورموسوی (۱۳۸۵): «بررسی ناپایداریهای امنیتی کلان شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷، تهران، صص ۱۱۶-۹۵.
۸. فرید، یدالله (۱۳۸۲): جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ سوم، تبریز.
۹. کمانرودی، موسی (۱۳۹۲): «آسیب‌شناسی ساختار سیاسی و اداره سرزمین ایران: ابعاد، زمینه‌ها و الزامات جابجایی پایتخت سیاسی از تهران»، فصلنامه جغرافیا، سال یازدهم، شماره ۳۸، تهران، صص ۲۳۰-۲۱۹.
۱۰. لطیفی، غلامرضا و علیرضا سامانی (۱۳۸۸): ضرورت‌ها و چالش‌های تغییر پایتخت در ایران، فصلنامه سپهر (سازمان جغرافیایی) سال هجدهم، شماره ۴۶، تهران.
۱۱. مویر، ریچارد (۱۳۷۹): درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه: دره میرحیدر و یحیی صفوی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران.
۱۲. میرحیدر، دره (۱۳۸۱): مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۳. میرحیدر، دره (۱۳۸۴): سیاست و محیط زیست: مورد: آلودگی شهر تهران، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران، انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
۱۴. نوبری، نازک و محمد رحیمی (۱۳۸۸): تحلیلی بر موضوع انتقال پایتخت سیاسی کشور با بهره‌گیری از مبانی سازماندهی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران دانش شهر، شماره ۵، تهران.
۱۵. یاسوری، مجید (۱۳۸۹): «بررسی روند توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، آینده‌نگری»، مشکلات و راهبردها، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۴-۷۳، تهران، صص ۲۵-۱.